

کتابخانه

به بهانه سالروز رحلت آیت‌الله صادق خلخالی ناکفته‌هایی از سیره سلسله جنبان انقلاب

■ محمدرضا کاکنینی

روزهایی که بر ما می‌گذرد، تداعی‌گر سالروز رحلت عالم مجاهد، زنده‌یاد آیت‌الله حاج شیخ‌صادق خلخالی است. بی‌آنکه در صدد تأیید مطلق کارنامه وی باشیم، باید اذعان کنیم که اقدامات قاطع و انقلابی وی در دوران پیش و پس از نهضت اسلامی، در تداوم انقلاب و نظام برآمده از آن، نقشی شاخص داشته است. او در شرایطی به تصدی حاکمیت شرع انقلاب اسلامی پرداخت که ایـباب جمعی رژیم گذشته و حامیان خارجی آنان، در صدد بازگرداندن آب رفته به جوی بودند و خلخالی با داد‌گاه‌های خویش، امید ایشان را نقش بر آب کرد. بی‌جهت نیست که امروزه سال‌ها پس از درگذشت وی، صحبت فراوانی از تبلیغات ضدانقلاب، معطوف به مذمت از اوست، چیزی که برای خودوی‌امهیتی نداشت و آن را از پیامدهای قطعی عمل به تکلیف تلقی می‌کرد. در شخصیت و کارنامه خلخالی اما، یک نکته شاخص است و آن پیشینه طولانی ارتباط و مرادود وی با امام خمینی رهبر کبیر انقلاب و فرزندان جمندش، شهید آیت‌الله سیدمصطفی خمینی است. خاطرات وی در این این باره، شنیدنی است و ما بخشی از آن را، در این یادداشت می‌آوریم. روحش شاد.

«آشنایی من با حضرت امام، از طریق آشنایی با مرحوم آقامصطفی شروع شد. من در ۱۷، ۱۸ سالگی به توصیه پدرم به حوزه علمیه اردبیل در مدرسه حاج‌ملابراهیم رفته و مشغول تحصیل شدم و در رمضان سال ۱۳۲۴ ش، به قم رفته و حدود سه ماه در مدرسه فیضیه با آیت‌الله موسوی اردبیلی و آیت‌الله مشکینی هم‌حجره بودم. در آن موقع تعداد طلاب حوزه علمیه شاید ۱۲۰۰ نفر هم نمی‌شد. در مدرسه فیضیه با آقامصطفی آشنا شدم که همراه با پدرش در نماز جماعت ظهر و عصر، پشت سر آیت‌الله آقای سیداحمد زنجانی و شب‌ها پشت سر آیت‌الله آقای سیدمحمدتقی خوانساری نماز می‌خواندند. گاهی هم که هوا سرد بود یا آقای خوانساری کسالت داشتند، این آقا که در آن دوره به ایشان حاج‌افرواح‌له می‌گفتند، پیش‌نماز می‌شدند و ما به ایشان اقتدا می‌کردیم. من همیشه می‌دیدم که آقامصطفی با یک سید بسیار متین و موقری – که –



زنده‌یاد آیت‌الله حاج‌شیخ‌محمدصادق خلخالی در دوران جوانی

همیشه سرش پایین و بسیار آراسته بود و لباس مرتبی می‌پوشید- به مدرسه می‌آید. از او پرسیدم این آقا کیست؟ گفت: «ایشان حاج‌افرواح‌له پدر من هستند.» به این ترتیب در بی آشنایی و رقابت با حاج‌اقامصطفی، پای ما به بیاب‌ام‌باز شد. هیچ‌کس به اندازه من با آقامصطفی رفیق نبود. ما بیش از ۳۰ سال با هم محشور بودیم و به شهرهای مختلف ایران سفر کردیم. امام خصال شخصیتی جالبی داشتند. ایام هفت‌سگ که ایشان هیچ وقت در نمازهای میت علما شرکت نمی‌کردند. همیشه تا در صحن چنانز میت را تشییع می‌کردند و برمی‌گشتند. حتی در مورد تشییع جنازه مر حومان خوانساری، صدر، حجت، فیض، کبیر و… هم تا صحن آمدند و برگشتند. ویژگی بسیار برجسته امام نظم ایشان بود. وقتی طلبه‌ها اصرار می‌کردند که امام درس را زودتر یا دیرتر از موعد مقرر شروع کنند، می‌گفتند اصراری نیست به درس من بیایید. به درس‌های دیگر بروید! طلبه که نباید همه درس‌ها را برود! همیشه رأس ساعت ۸ شریف می‌آوردند و رأس ساعت مقرر هم درس را تمام می‌کردند. درس خارج ققه که از اول مهارت شروع کردند و درس خارج اصول که یک دوره و نیم شرکت کردم و دررستان را نوشتم. امام به نماز اول وقت هم بسیار عنایت داشتند و اگر طلبه‌ای نمازش را به آخر وقت موصول می‌کرد، فوق‌العاده ناراحت می‌شدند. همین تقید ایشان باعث شد من هم نسبت به این موضوع اهتمام پیدا کنم. امام توصیه‌های اخلاقی ناپسی را در اواخر درس مطرح می‌کردند که دیگران به آنها توجه نداشتند. برداشت امام از مطالب الهی و فلسفی و بحث‌های محی الدین ابن عربی چیزی بود که من در دیگران ندیدم. یک سال در نیمه دوم شهریور از مسافرت برگشتند و درسی را شروع کردند و متوجه شدند که آقای از صاحب‌اسفار بد گفته است!ایشان به قدری عصبانی شدند که سر کلاس فرمودند تو چه می‌دانی اسفار چیست و صاحب اسفار کیست… در حالی که امام معمولاً به این نوع مسائل نمی‌پرداختند، ولی این بار به قدری عصبانی شدند که برخورد تندتری کردند. این مسئله برابم جالب بود…»

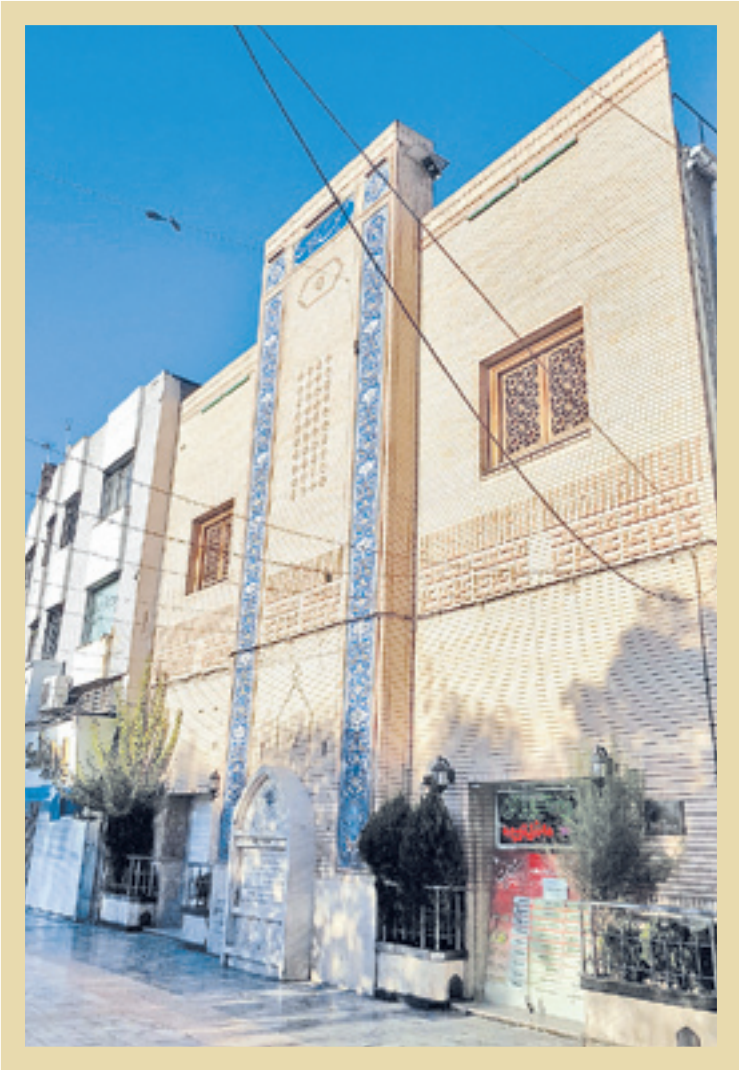
■ **احمدرضا صدری**

اثر تاریخی، پژوهشی «مسجد رهبر» – که به بررسی فعالیت‌های همه‌جانبه مسجد کرامت مشهد در دوران پیش از پیروزی انقلاب اسلامی پرداخته است- در عداد واپسین منشورات «دفتر مطالعات جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی مشهد» به‌شمار می‌رود. آوازه این مسجد از این روست که امامت و مدیریت آن، با رهبری پرآواخته انقلاب اسلامی حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (دام‌ظله) بوده است. در مقالی که پیش رو دارید، ابعاد این تحقیق، با عنایت به اطلاعاتی که تیم تحقیقی آن منتشر کرده‌اند، مورد بازخوانی تحلیلی قرار گرفته است. امید آنکه تاریخ پژوهان انقلاب و عموم علاقه‌مندان را مقید و مقبول آید.

■ ■ ■

■ **چرا سوژه مسجد کرامت؟**

پژوهندگان «دفتر مطالعات جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی مشهد» از آن رو که در تمامی تحقیقات خویش در باب وقایع منتهی به انقلاب اسلامی، مکرر نام «مسجد کرامت» را شنیده‌اند، به گردآوری و بسط اطلاعات درباره آن دست یافته‌اند. آنان در دیباجه خویش بر این اثر، داستان احساس ضرورت برای پژوهش در مورد این مسجد را، این‌گونه روایت کرده‌اند: «دفتر مطالعات جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی مشهد، فعالیت خود را سال ۱۳۸۷ در حوزه تاریخ شفاهی آغاز کرد. مأموریت اصلی، گردآوری و ثبت فعالیت‌های فرهنگی و هنری انقلاب اسلامی بود. با توجه به اینکه پیشینه تحقیقاتی چندان‌ی در این زمینه وجود نداشت، تلاش شد شخصیت‌ها و جریان‌های فعال فرهنگی اجتماعی انقلاب از طریق مطالعه اسناد و گرفتن مصاحبه‌شناسایی شوند. می‌خواستیم نقشه هوایی افراد، تشکله‌ها و اماکن گفتمان انقلاب اسلامی در دهه‌های ۴۰، ۵۰، ۶۰ را ترسیم کنیم. به تدریج موضوعات متعدد و متنوعی شناخته می‌شدند اما در مصاحبه‌ها نامی که بیش از همه تکرار می‌شد، مسجد کرامت بود. فرقی نمی‌کرد پای صحبت چه کسی بودیم؛ طلبه، دانشجو، بازاری یا هنرمند؛ خاطرات همه در نقطه‌ای با مسجد کرامت پیوند می‌خورد. به همین دلیل، بنا شد در قالب پروژه‌ای مستقل به مسجد کرامت بپردازیم. با وجود نقش‌زاید این مسجد در جریان انقلابی و فرهنگی دهه ۵۰مشهد، حتی یک پژوهش درخور هم در خصوص آن وجود نداشت. به‌رغم اینکه مساجد، پایگاه و رسانه انقلاب بودند و نقش اصلی را در رهبری مردم داشته‌اند، متأسفانه مطالعات میدق‌اندکی در این زمینه وجود دارد. مصاحبه‌های اولیه را حسن سلطانی اولیه و فیش‌برداری مصاحبه‌های مرکز اسناد آستان قدس رضوی و مرکز اسناد انقلاب اسلامی را انجام داد. سپس احمد عسگری مسئولیت کار را برعهده گرفت. یکی از نکاتی که باعث شد عرصه پژوهش گسترده‌تر شود، ضرورت نگاه جامع به مسجد کرامت بود. اگر چه یکی از دوره‌های پررنگ در ذهن بسیاری



یادها و یادمان‌هایی از «مسجد رهبر» در آیینه اسناد مکتوب و شفاهی

حماسه‌ساز مسجد کرامت‌مشهد به روایت شاهدان

از راویان، سخنرانی‌های آیت‌الله خامنه‌ای در سال ۱۳۵۲ در مسجد کرامت بود، اما آنچه حین تحقیق به تدریج آشکارتر می‌شد این بود که این مسجد پدیده محسوب می‌شود و دارای عقبه فکری و فرهنگی است. به همین دلیل لازم بود ریشه‌های جریان‌ی را که اوایل دهه ۵۰ مسجد کرامت را شکل می‌داد، بررسی کنیم. همچنین مسجد کرامت منحصر به مکانی برای سخنرانی و اقامه نماز نبود و قاعدتاً شناخت کامل آن در گرو مطالعه همه فعالیت‌ها و ابعاد آن بود. به این ترتیب، گسترده‌گی دایره راویان برای گروه تحقیق مشخص و ضرورت تحقیق نظام‌مند در گردآوری خاطرات عیان‌تر از قبل شده بود. تصمیم گرفتیم از چند روش برای کشف راویان استفاده کنیم: مطالعه اسناد، حضور در جلسات دعای ندبه مر مرحوم عبدالرضا غنیان، شناسایی شبکه راویان، بررسی مصاحبه‌های دیگر پروژه‌های مجموعه، جست‌وجوی اینترنتی و در نهایت فراخوان عمومی.»

■ **در جست‌وجوی اسناد**

از پیروزی انقلاب اسلامی، نزدیک به ۴۲ سال



امام جماعت اصلی این مسجد، یعنی آیت‌الله خامنه‌ای هم، ینگ رهبر انقلاب شده بود و بعید نبود راویان بخوانند خاطرات خود را با ایشان پررنگ‌تر نشان بدهند! اسناد، شواهد تاریخی، خاطرات شخصیت‌های اصلی نظیر مر حوم غنیان و همچنین نتایج برگرفته از صحبت‌های مجموعه راویان، مهم‌ترین معیارها در راستی آزمایی بودند. اما آنچه بیش از همه موجب طولانی شدن تحقیق شده بود، تداوم کشف راویان بود…

می‌گذرد. سوگمندها باید اذعان کرد که اسناد انقلاب به گونه‌ای بایسته، گردآوری و حفظ نشده است. این مستندات در آرشیوهای مختلف ارگان‌ها یا اشخاص، نگهداری می‌شود. هم از این رو محققان برای جمع‌آوری مستندات یک پژوهش راهی دراز در پیش دارند، همان‌گونه که این چالش، در گزارش محققان «مسجد رهبر» نیز، هودباست: «اسناد و مصاحبه‌های مرکز اسناد انقلاب اسلامی و مرکز اسناد آستان قدس را بررسی کردیم. در اینجا کلیات مسیر پژوهشی پروژه و افراد اصلی مشخص شده بودند؛ عبدالرضا غنیان، آیت‌الله خامنه‌ای، مرحوم محمود کرامت و… جلسه دعای ندبه غنیان در طول سالیان متمادی، ارتباط تنگاتنگی با مسجد کرامت داشت. به همین دلیل، بارها و بارها در جلسات این دعا شرکت کردیم. حضور هفتگی در این جلسه برای ما برکات زیادی داشت. خیلی از آن بزرگواران در طول همین فتنه‌ها با ما آشنا و راضی به مصاحبه شدند. در همین جلسات، بعضی از سؤال‌هایمان را از فرزندان مرحوم غنیان پرسیدیم و برخی از خاطرات ناگفته را نیز شنیدیم. جست‌وجوی مصاحبه‌شونده‌ها به شیوه هر می انجام شد. به این صورت که با شناخت اعضای اصلی و مصاحبه با آنها سعی می‌کردیم هم‌راهان و دوستانشان را بیشتر بشناسیم. گاهی خودشان در میان صحبت‌هایشان به نام‌های جدیدی اشرار می‌کردند و گاهی هم ما از نقش افراد دیگری هم پرسیدیم. برای مثال، چت‌ساز را از طریق والی نیاپور یا در یادل و روغنی را از طریق برداران سادات قاطمی شناختیم. مصاحبه با بعضی از افراد کار آسانی نبود. مصاحبه‌شوندگان معمولاً گرفتاری‌های کاری داشتند یا به نتایج این مصاحبه‌ها چندان خوش‌بین نبودند. بنابراین، بخش مهمی از دغدغه ما جلب رضایت این افراد برای مصاحبه بود. برخی از اینکه نپادها‌های مختلفی به سراغشان آمده و مصاحبه‌های متعددی گرفته بودند، خسته شده بودند. بیشتر از این بابت ناراحت بودند که بسیاری از این مصاحبه‌ها فقط آرشئو شده و به خروجی نرسیده بود. مصاحبه مجدد را بی‌فایده می‌دانستند و می‌گفتند ما حرف‌هایمان را قبلاً زده‌ایم. بروید سراغ همان مصاحبه‌هایی که انجام داده‌ایم… اما مراجعه به آرشئوها نیاز ما را برطرف نمی‌کرد و دست‌رسی به آنها هم با سختی‌هایی همراه بود. برای مثال، آرشئو مرکز اسناد انقلاب اسلامی واحد خراسان، به صورت کامل به تهران منتقل شده بود. از طرفی، کار تدوین و تحقیق به تدریج کامل می‌شد و نمی‌توانستیم به شکل مداوم به تهران رفت و آمد کنیم. برای همین، در نهایت برخی از این مصاحبه‌ها، مثل مصاحبه‌های مرحوم عبدالرضا غنیان و مرحوم ابوالحسن سررشته‌دار را از مرکز اسناد انقلاب اسلامی خریدیم. آرشئو مرکز اسناد آستان قدس رضوی هم هر چند در مشهد بود، نحوه دست‌رسی به آن چندان آسان نبود. ما باید شخص مدنظرمان را معرفی می‌کردیم. اگر فایصل صورتی مصاحبه پیاده شده بود، پرورنده کاغذی فرد مدنظر در اختیار ما قرار می‌گرفت تا در همان مکان، مطالعه و فیش‌برداری کنیم. ما مطالعه

یک پرونده تمام نمی‌شد و آن را به متصدی تحویل نمی‌دادیم، اجازه دست‌رسی به پرونده دیگر را نداشتیم. البته دست‌رسی این‌چنینی به همین مصاحبه‌ها هم خیلی کمک‌کننده بود. علت مهم‌تری که باعث می‌شد نتوانیم به طور کامل به آرشئو مصاحبه‌های نهادها تکیه کنیم، مسائل محتوایی و روشی بود. هر چند مطالعه مصاحبه‌های نهاد‌های دیگر برای ما بی‌فایده نبود اما در بسیاری از آنها سوالات به شکل کلی پرسیده شده بود و به تبع، جواب‌ها هم چندان دقیق و حساوی جزئیات نبود. در مصاحبه‌های آرشئوشده، کمتر شاهد مصاحبه تخصصی و تمرکز بر مسجد کرامت بودیم.»

■ **چالش روایت شاهدان**

تاریخ شفاهی در زمره یکی از اسناد شاخص تاریخ‌نگاری به شمار می‌رود. البته تبه اسناد مکتوب، بر آن مقدم است. در تاریخ‌نگاری‌های چند دهه اخیر در کشور ما اما، استفاده از این منبع، رواجی افزون یافته است. با این‌همه دشواری‌ها و چالش‌های دستیابی به روایان تاریخ شفاهی نیز، کم نیست. چه از یافتن روایان گوناگون یک ماجرا عیارسنجی روایت آنان، امری که گردآورندگان «مسجد رهبر» رانیز، این‌گونه با خویش در گیر کرده است: «شیوه دیگر دست‌رسی به روایان، جست‌وجو در سایر مصاحبه‌های مجموعه‌مان بود. گاهی برخی افراد که برای مصاحبه پیشکسوت، مثل جهادسازندگی، مداحان و… به سراغشان رفته بودیم، از مسجد کرامت خاطراتی جذاب و دست اول می‌گفتند. سنی چی، از اعضای جهاد سازندگی و خوش‌چهره، از مداحان پیشکسوت، رفته بودیم، از مسجد کرامت خاطراتی جذاب و دست اول می‌گفتند. سنی چی، از اعضای جهاد سازندگی و خوش‌چهره، از مداحان پیشکسوت، هر دو از مسجد کرامت، خاطره داشتند. گاهی که به خانه مصاحبه‌شونده‌ها می‌رفتیم، همسر راوی هم وارد گفت‌وگو می‌شد و خاطراتی از این مسجد روایت می‌کرد. خانم ثانی، همسر مؤذن زاده، یکی از همین افراد بود. جست‌وجوی اینترنتی هم ما را با افرادی آشنا می‌کرد که چندان به نامشان در بخورده بودیم. حجت‌الاسلام شفیعی‌دارایی یکی از همین افراد بود که نام او را برای اولین بار در پایگاه مجازی جامعه‌المصطفی (ص) دیدیم. در کتاب مهمانان آیت‌الله، نوشته مارک بادون هم نام یکی از دانشجویان مسلمان پیر و خط‌امام را دیدیم. او به نویسنده گفته بود از نزدیکان آیت‌الله خامنه‌ای در مسجد کرامت بوده است. برای همین به سراغش رفتیم اما راضی به مصاحبه نشد! صدافسوس بعضی از افرادی که می‌دانستیم قطعاً خاطرات مهمی از مسجد کرامت دارند، به هیچ‌وجه راضی به مصاحبه نشدند! یکی از معناداران قدیمی خیابان شیراز از جمله

این افراد بود که در خصوص مسجد کرامت و راهپیمایی‌های انقلاب مشهد در سال ۱۳۵۷ نقش فعالی داشت. رضایت ندادن برخی افراد به مصاحبه، مشکلی بود که گاهی به هیچ‌شکل حل نمی‌شد. بعضی از آنها روایت فعالیت‌های خود را ریا و خودنمایی می‌دانستند. برخی نیز متأسفانه حتی به موضوعات این‌چنینی نگاه سیاسی داشتند و آن را با دعوای سیاسی و اختلافات جریان‌های مختلف گره می‌زدند. در نهایت طری مجازان پژوهشی پروژه و افراد اصلی مشخص شده بودند؛ عبدالرضا غنیان، آیت‌الله خامنه‌ای، مرحوم محمود کرامت و… جلسه دعای ندبه غنیان در طول سالیان متمادی، ارتباط تنگاتنگی با مسجد کرامت داشت. به همین دلیل، بارها و بارها در جلسات این اطراف حرم و گفت‌وگو با بازاری‌های قدیمی، یکی از راه‌ها برای پیدا کردن راویان ناشناخته بود. با صادق جاویدی، قناری نوجوانی که با عمویش به مسجد کرامت می‌آمد، در مغازه خیاطی‌ای که نزدیک حرم بود، آشنا شدیم. آن روز قرار بود با خیاطی قدیمی که در پایین خیابان مشهد و نزدیک مسجد قبل مغازه داشت، درباره آن کرامت گفت‌وگو کنیم که جاویدی به صورت اتفاقی مشتری آن مغازه شد. با سقای اسانه نیز از طریق جست‌وجوی میدانی آشنا شدیم. جست‌وجوی میدانی، نتایج خوبی به همراه داشت. همین هم باعث شد به فکر فراخوان عمومی بیفتیم. ما پیش از آن، اسناد را دیده و افراد فعال و اصلی را از هر بخش پیدا کرده و از آنها درباره بقیه فعالان سؤال کرده بودیم. بنابراین، حدس می‌زدیم که در فراخوان عمومی با افرادی که سهم زیادی شناخته شده‌اند مواجه نشویم. اما علاقه برای شنیدن خاطرات یا حتی تک‌خاطره‌های مختلف شنیدن نیز گردآوری اسنادی که حدس می‌زدیم شاید در بستوی خانه‌ها خاک می‌خورند، سبب شد این فراخوان را به صورت جدی پیگیری کنیم. برای تبلیغات این فراخوان، از کارت و پیامک استفاده کردیم. در توزیع کارت‌ها دو جامعه هدف تعریف شد: اول، بخشی از مسله‌های قدیمی که احتمال می‌دادیم نسبت به آن‌ها حساسیت داشته‌اند و دوم، کتب و اطراف مسجد کرامت و حرم مطهر امام رضاع). در جریان توزیع کارت‌ها خیلی از کاتب‌های قدیمی خاطرات جذابی گفتند. از طریق فراخوان پیامکی، تعدادی شماره به دستمان رسید. با همه شماره‌ها تماس گرفتیم. بعضی را از قبل می‌شناختیم و مصاحبه با آنها انجام شده بود. بعضی هم خاطراتی از دهه ۶۰ و سیسج کرامت داشتند که در محدوده زمانی پژوهش ما قرار نمی‌گرفت. از طریق همین شماره‌ها به تعدادی نوار از مسجد کرامت رسیدیم. بر تقوی، اول اصفهان بود اما دهه ۵۰ در مشهد دانشجو بود. او ضمن شرکت در جلسات مسجد کرامت، سخنرانی‌های آیت‌الله

۹ جوان

|روزنامه جوان |شماره ۶۰۸۸

خامنه‌ای را ضبط می‌کرد. رسیدن به این نوارها دلگرمی خوبی برای ادامه پژوهش‌های میدانی بود. صبح شانزدهم آذر ۱۳۹۳ به سراغ یکی دیگر از همین شماره‌ها رفتیم. سیدرضا شریعت‌مغانی، انسانی متواضع و متدین بود که حدود ۶۵ سال از عمرش می‌گذشت. گفت‌وگویمان در همان جلسه اول، فضای گرم و صمیمی ایجاد کرد. از دوران کودکی و نوجوانی‌اش گفت: از سال ۱۳۲۲ که با ابعاد اجتماعی اسلام آشنا شد. در آن سال‌ها مادرش را از دست داد و دلگرمی‌اش جلسات مذهبی واعظ شهیر آن زمان، مرحوم شیخ‌احمد کافی بود. سید اوایل دهه ۵۰ کاری کرده بود که بیش از ۴۰ سال بعد، ارزشش مشخص شد. او در آن سال‌ها با وجود شرایط سخت اقتصادی‌اش، دغدغه ضبط سخنرانی‌های آیت‌الله خامنه‌ای را داشت. بیست‌وسوم مرداد ۱۳۹۴ خبر فوت سیدرضا، همه گروه پژوهش مسجد کرامت را شوکه کرد. او ناراحتی کلیوی داشت و در ماه‌های منتهی به وفاتش می‌گفت تنها آرزوی من، نشر و توزیع نوارهاست. من به روحانیت علاقه داشتم و به همین خاطر از زندگی خودم می‌زدم تا بتوانم آن صحبت‌ها را ضبط و توزیع کنم. آن روزها نوارهای ریلی از آن نبود. وضعیت اقتصادی من هم خوب نبود. کارگر تراشکاری بودم و روزی چهار ریال درآمد داشتیم که دو ریال آن را برای همین نوارها هزینه می‌کردم. چون پول زیادی نداشتم، ناچار بودم نوارها را چهار لب ضبط کنم… بخش‌هایی از سخنان آیت‌الله خامنه‌ای در مسجد کرامت که در این کتاب آورده شده‌اند، مرحون سخاوت مرحوم شریعت‌مغانی است. او بدون هیچ توقی، بخشی از آرشئو صوتی شخصی خود را در اختیار دفتر مطالعات جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی گذاشت.»

…و سرانجام نتیجه یک پروژه طولانی

حجج و محتوای اثر «مسجد رهبر»، نشان می‌دهد که محققان این اثر در تجمع و تبویب و تنظیم آن، تلاشی طاقت‌فرسا متحمل گشته‌اند. در این مجلد نام‌های آقایان احمد عسگری، سیدمحمدامیر احمدی طباطبایی و حسین سلطانی به عنوان پژوهشگر و مصاحبه‌گر و نام آقای مرتضی انصاری‌زاده به عنوان نگارشرگ ذکر شده است. معمولاً مشکلات تجمع اطلاعات در مرحله پایانی یک پژوهش، مخصوصاً پژوهشی که به نوعی از صبغه سیاسی نیز برخوردار است، دوچندان می‌شود! هم از این رو چندین بار، ورود «مسجد رهبر» به مرحله تدوین، به تعویق افتاده است. با این همه فراهم‌آورندگان این اثر بر این امیدند که با انتشار این اثر، بر عدالت‌رورتر کردن این اثر در اختیار آنان قرار داده‌اند، افزوده گردد: «تحقیق پروژه طولانی شده بود. جمله دلایل آن، گسترده‌گی پروژه و کامل شدن تدریجی شناخت ما به ابعاد مختلف مسجد کرامت بود. دلیل دیگر هم راستی‌آمیز خاطرات بود. همه در صورت کلی حکیم به صحت تمام خاطرات کنیم. ضمن اینکه نمی‌توانستیم تمام کار قنات‌ور درباره صحت خاطرات را به مرحله تدوین موکل کنیم. بیش از ۴۰ سال از آن روزها گذشته بود و محتمل بود که فراموشی راویان، موانع اشتباهاتی در بیان خاطرات شود. امام جماعت اصلی این مسجد، یعنی آیت‌الله خامنه‌ای هم رهبر انقلاب شده بود و بعید نبود راویان بخوانند خاطرات خود را با ایشان پررنگ‌تر نشان بدهند. اسناد، شواهد تاریخی، خاطرات شخصیت‌های اصلی نظیر مرحوم غنیان و همچنین نتایج برگرفته از صحبت‌های مجموعه راویان، مهم‌ترین معیارها در راستی‌آزمایی بود. اما آنچه بیش از همه موجب طولانی شدن تحقیق شده بود، تداوم کشف راویان بود. دامنه افرادی که با مسجد کرامت ارتباط داشتند تمامی نداشت. چند بار ورود به مرحله تدوین باعث شد، این مجموعه را با اسناد، شواهد تاریخی، خاطرات شخصیت‌های اصلی نظیر مرحوم غنیان و همچنین نتایج برگرفته از صحبت‌های مجموعه راویان، مهم‌ترین معیارها در راستی‌آزمایی بود. اما آنچه بیش از همه موجب طولانی شدن تحقیق شده بود، تداوم کشف راویان بود. دامنه افرادی که با مسجد کرامت ارتباط داشتند تمامی نداشت. چند بار ورود به مرحله تدوین باعث شد، این مجموعه را با اسناد، شواهد تاریخی، خاطرات شخصیت‌های اصلی نظیر مرحوم غنیان و همچنین نتایج برگرفته از صحبت‌های مجموعه راویان، مهم‌ترین معیارها در راستی‌آزمایی بود. اما آنچه بیش از همه موجب طولانی شدن تحقیق شده بود، تداوم کشف راویان بود. دامنه افرادی که با مسجد کرامت ارتباط داشتند تمامی نداشت. چند بار ورود به مرحله تدوین باعث شد، این مجموعه را با اسناد، شواهد تاریخی، خاطرات شخصیت‌های اصلی نظیر مرحوم غنیان و همچنین نتایج برگرفته از صحبت‌های مجموعه راویان، مهم‌ترین معیارها در راستی‌آزمایی بود. اما آنچه بیش از همه موجب طولانی شدن تحقیق شده بود، تداوم کشف راویان بود. دامنه افرادی که با مسجد کرامت ارتباط داشتند تمامی نداشت. چند بار ورود به مرحله تدوین باعث شد، این مجموعه را با اسناد، شواهد تاریخی، خاطرات شخصیت‌های اصلی نظیر مرحوم غنیان و همچنین نتایج برگرفته از صحبت‌های مجموعه راویان، مهم‌ترین معیارها در راستی‌آزمایی بودند. اما آنچه بیش از همه موجب طولانی شدن تحقیق شده بود، تداوم کشف راویان بود…»